

یادداشت

نقش نهادهای مدنی در توسعه کارآفرینی زنان

زهرراهی

عضوانجمن زنان کارآفرین

در عصر حاضر تقویت زیست‌بوم کارآفرینی و پرورش خلاقیت و نوآوری جایگاه مهمی در برنامه توسعه کشورها داشته و در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. نهادها و سازمان‌های بسیاری در سطح جهانی و ملی در زمینه ارزباسی، پایش و ارائه توصیه‌های سیاستی با هدف بهبود شاخص‌های کارآفرینی فعال بوده و پژوهش‌های گسترده‌ای در دانشگاه در این زمینه صورت می‌گیرد که دلالت بر اهمیت و پیچیدگی مفهوم کارآفرینی دارد. سیر تطور نظریه‌های کارآفرینی حکایت از آن دارد که خاستگاه اقتصادی این مفهوم به‌تنهایی نمی‌تواند همه ابعاد آن را پوشش دهد. هم‌زمان با پررنگ‌شدن عاملیت انسانی در نظریه‌های توسعه و اهمیت تعامل فرد با محیط پیرامونی، مفهوم کارآفرینی از یک پدیده اقتصادی صرف به پدیده‌ای اجتماعی- تاریخی و در نهایت به گونه‌ای از سبک زندگی تبدیل شد.

در خلال این تغییرات موضوع فرهنگ به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در زیست‌بوم کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت و درجه‌ای بر چرایی تفاوت شاخص‌های کارآفرینی کشورها گشود. فرهنگ در اکوسیستم کارآفرینی مجموعه‌ای غنی از معانی، باورها، شیوه‌ها و نمادها، هنجارها و ارزش‌های جهان این است که زنان در برقراری ارتباط و کنش در شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مردان مهارت کمتری دارند و به همین دلیل نیز از فرصت‌های حضور در مدیریت‌های عالی یا رشد و توسعه مسیر حرفه‌ای کسب‌وکار بازمی‌مانند و توانایی لازم برای ایفای نقش رهبری را ندارند. باور دیگر فرهنگی که مانع جدی بر سر راه کارآفرینی زنان است تضاد نقش‌های سنتی به‌ویژه همسراری و فرزندپروری با مدیریت کسب‌وکار است. این باور به تقابل نقش اجتماعی و اقتصادی زنان با رفتارهای مورد انتظار سنتی از آنها باعث شده تا زنان به دلیل نگرانی از داوری‌های نظام ارزش‌های فرهنگی جامعه در این خصوص یا از دست‌رفتن سرمایه خانواده در صورت ورشکستگی در کسب‌وکار از فرصت‌های کارآفرینی خود چشم‌پوشی کنند. در سایه سنگین چنین باوره‌ای فرهنگی پنداره زنان از خود و توانمندی‌هایشان بسیار ضعیف‌تر از آنچه هست شکل خواهد گرفت؛ ازاین‌رو عامل فرهنگی نقش بسیار مهمی در کارآفرینی زنان دارد.

دولت‌ها اغلب خود را متولی بهبود محیط کسب‌وکار و تثبیت متغیرهای کلان می‌دانند و از آنجا که به دنبال دستاوردهایی کوتاه‌مدت برای مشروعیت‌بخشی و ایجاد مقبولیت در دوران تصدی‌گری خود هستند، اهتمام جدی به مقوله‌های فرهنگی توسعه ندارند. از سوی دیگر اصلاح ارزش‌ها و باورها در یک جامعه فرآیندی تدریجی و زمان‌بر است. بر این اساس نهادهای مدنی و تشکل‌های حرفه‌ای زنان در عرصه کارآفرینی به دلیل جایگاه اجتماعی، خاستگاه مردمی و قرارداشتن در لایه میانی قدرت از جایگاه مهمی در رفع موانع فرهنگی برخوردارند. نهادهای مدنی علاوه بر ترویج فرهنگ کارآفرینی زنان در جامعه در چارچوب وظیفه‌مندی‌های خود قادرند برای افزایش مشارکت اقتصادی زنان یا تصحیح سیاست‌ها و روش‌های بازاریارنده، برنامه‌هایی به دولت ارائه داده و خواسته‌هایشان را پیگیری کنند. تشکل‌ها و نهادهای مدنی زنان کارآفرین بستر مناسبی برای گفت‌وگو و به‌چالش‌کشیدن باورها و ارزش‌های فرهنگی در باب تعارض نقش سنتی و اجتماعی- اقتصادی زنان و جایگزینی آن با عبارت «غنی‌سازی نقش‌ها» هستند. مدیریت کسب‌وکار می‌تواند به تقویت تصمیم‌گیری در شرایط بحران، تقویت مهارت‌های بین فردی، تحلیل دقیق و منسجم‌تر از واقعیت‌های اقتصاد و اجتماعی، عمل‌گرایی در زنان کارآفرین منجر شود و در سایه این توان‌افزایی نقش مؤثرتری در خانواده ایفا کند و نقش خود در مدیریت خانواده را غنا بخشد.

الگوهای نقش تأثیر سبزابی بر باور یک زن به توانایی‌هایش برای قصد کارآفرینانه و شروع کسب‌وکار دارد. الگوهای نقش اغلب از درون خانواده‌ها شکل می‌گیرند، زیرا مادران کارآفرین تأثیر قدرتمندی بر خودکارآمدی و استقلال فرزندانشان به‌ویژه دختران دارند. باین‌همه نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان کارآفرین می‌توانند مخاطبان بیشتری را تحت تأثیر قرار داده و شبکه منسجمی شامل زنان کارآفرین، صاحبان ایده و کارآفرینان نوپا را گردهم آورند. آشنایی با طیف متنوعی از زنان صاحب کسب‌وکار در قالب یک تشکل رسمی یا نهاد مدنی زنان کارآفرین، می‌تواند الهام‌بخش کارآفرینان نوپا باشد. آنها با یادگیری و تأمل در تجربیات دیگران، انگیزه و دانش لازم در مسیر کارآفرینی را به دست آورده و از مزایای شبکه حمایتی برای دسترسی به منابع، شناسایی فرصت‌های جدید و توسعه کسب‌وکار خود برخوردارند خواهند شد. همه زنان در هر دوره‌ای، مدیون نسل قبلی و متعهد به نسل بعدی هستند؛ بنابراین باید با به‌اشتراک‌گذاشتن تجربیات و مستندسازی آنها به تقویت الگوی نقش رهبری زنان کمک کرد.

علاوه بر این الگوهای نقش با معرفی زنان تأثیرگذار در عرصه اجتماعی اقتصاد، ذهن افراد جامعه در خصوص توانایی زنان برای اداره کسب‌وکار را تغییر می‌دهند و بستر را برای ورود زنان و دختران جوان فراهم می‌کنند. نهادها و تشکل‌های زنان کارآفرین به عنوان لایه میانی جامعه، با معرفی تجربه زیسته زنان کارآفرین از منظر هارمونی کار و زندگی می‌توانند در تعدیل انتظارات و نگرش‌های فرهنگی جامعه در خصوص استقلال اقتصادی زنان نقش مهمی ایفا کنند. سرمایه دانشی مدیریتی زنان و ترویج آن تنها در سایه بهره‌مندی از شبکه مؤثر زنان در قالب تشکل‌های رسمی ممکن است. زنان برای رسیدن به اهداف خود ناگزیرند تا در کنار هم باشند. چالش‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی زنان و فهم دقیق آن نیازمند یک کنش جمعی همدلانه است. در هر جمع یا شبکه‌ای باید اختلاف‌ها و سوءتفاهم‌ها سر حل شود و بر موفقیت‌های حرفه‌ای تأکید شود تا پایداری و اثربخشی در شبکه جریان یابد.

زنان معمولاً نسبت به معرفی دستاوردها و ارزش‌آفرینی‌هایشان فروتنانه برخورد می‌کنند. نگرانی از قضاوت دیگران و ترس از غیرواقعی جلوه‌دادن خود مانع جدی در پیوستن آنها به شبکه‌های تخصصی است. آنها بیشتر ترجیح می‌دهند تا در شبکه‌هایی فعالیت کنند که مبتنی بر رابطه دوستی است و افراد با پشتوانه‌های عاطفی همدگر را تأیید و حمایت می‌کنند، حال آنکه هدف اصلی شبکه‌سازی تبادل اطلاعات، دانش آشکار و ضمنی و تجربه است تا هم‌افزایی صورت گیرد و دسترسی به منابع جدید محقق شود. الگوهای نقش می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. ارائه تجربیات تلخ و شیرین از حضور در شبکه‌ها و نیز تلاش برای ایجاد و حفظ اجتماعات تخصصی هدفمند زنان از سوی زنان موفق و کاردار می‌تواند الگوهای خوبی برای دیگر زنان باشد و خودباوری را در آنها تقویت کند. حضور در انجمن‌های زنان که به طور تخصصی بر موضوع زنان، اجتماع و کسب‌وکار فعالیت می‌کنند، ضمن ایجاد فرصت تعامل با سایر گروه‌های زنان، هم‌افزایی و بافتن الگوهای نقشش می‌تواند گام مهمی در بهبود عامل فرهنگی اکوسیستم کارآفرینی زنان باشد.

عبدالرحمن فتح‌الهی

جمهوری اسلامی ایران به ترورهای اسرائیل که برای اولین بار صورت گرفت، همه تحلیل‌های رسانه‌ای و کارشناسی محدود به موازنه تهدید و موازنه قوای تهران با تل آویو بود و کمتر به آثار و تبعات منظره‌ای این پاسخ پرداخته شد، اما باید اذعان کرد وقتی به نوشته نیویورک تایمز، ایران بیش از ۳۴۰ موشک و پهپاد به اسرائیل شلیک کرده‌است، طبیعتاً این حمله دایره‌بازدارندگی تهران را فراتر از اسرائیل می‌برد. برای بررسی شدت و وسعت این بازدارندگی، به گفت‌وگویی با رحمن قهرمان پور نشست‌هایم تا ارزیابی این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل را در این رابطه جویا شویم.

-
-
-

جناب قهرمان پور موضوعی که پس از پاسخ موشکی و پهپادی بامداد یکشنبه هفته گذشته جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل کمتر مورد توجه قرار گرفته است، سطح بازدارندگی این واکنش تهران بود. اگرچه محور و کانون اولین حمله مستقیم ایران به اسرائیل، فرهنگتی و اجتماعی و وضعیت دیپلماتیک آنها در مناسبات لایه‌های دوم و سوم تأثیرات و تبعات این پاسخ تهران، می‌توان قائل به بازدارندگی منظره‌ای بود؟ چون به هر حال طالبان در افغانستان، الهام علی‌اف در جمهوری آذربایجان، رجب طیب اردوغان در ترکیه، محمد بن سلمان در عربستان سعودی، محمد بن زاید در امارات متحده عربی و دیگر همسایگان و بازیگران منظره‌ای پاسخ ایران را با این شدت و وسعت غیر قابل پیش‌بینی دیدند.

این نکته شما درست است که کمتر به موضوع بازدارندگی منطقه‌های حمله هفته گذشته مستقیم ایران به اسرائیل در حوزه همسایگان اشاره شده است، اما از آن طرف باید به این نکته هم اشاره کرد که بازدارندگی مفهومی نیست که بتوان آن را در یک ساخت یا بُعد دید؛ چون بازدارندگی مفهوم تک‌بُعدی نیست. بنابراین بازدارندگی الزاماً و تنها با اعمال قدرتی نظامی و دفاعی یا توان موشکی و پهپادی اتفاق نمی‌افتد.

ک پاسخ چگونه رخ می‌دهد؟

اجازه دهید قدری موضوع را عمیق‌تر بررسی کنیم. ببینید، ما وقتی از بازدارندگی حرف می‌زنیم، در وهله اول باید انتظار داشته باشیم دولت‌ها یا ساختار تصمیم‌گیر در یک کشور، بدون دست‌بردن به ماشه فتیله بازدارندگی مدنظر خود را در قبال کشورهایی منطقه و حتی در سطح بین‌الملل ایجاد کند. من کاری به تنش ایران و اسرائیل ندارم، ولی وقتی یک منازعه به سطح درگیری مستقیم کشیده می‌شود، آن‌هم درگیری مستقیم نظامی، به خودی خود نشان می‌دهد که بازدارندگی سطوح قبلی جویاگو نبوده است در نهایت کار به تقابل نظامی مستقیم به دو طرف کشیده شده است. اکنون ما وارد فاز یا مرحله جدیدی از بازدارندگی در حوزه نظامی هستیم و چون وارد این فاز جدید بازدارندگی نظامی شده‌ایم، باید یک بازه یا محدوده و برهه زمانی را برای تثبیت بازدارندگی در نظر بگیریم؛ یعنی تثبیت این بازدارندگی نظامی که از یک هفته پیش توسط ایران شروع شده است، قاعدتا به زمان نیاز دارد.

ک بازه زمانی برای تثبیت اینس بازدارندگی نظامی مدنظر است؟

نمی‌توان بازه زمانی دقیقی را برای آن تعریف کرد؛ چون عوامل و پارامترهای مختلفی در تعیین این بازه و برهه زمانی برای تثبیت بازدارندگی نظامی ایران در سطح منطقه‌ای نقش آفرین است. از این‌رو نمی‌توان یک محدوده دقیق زمانی را تعیین کرد. ما باید منظر گذشت زمان و روند تحولات پیش‌رو باشیم و آن‌موقع ببینیم آیا بازدارندگی نظامی ایران علاوه بر موازنه قوا در برابر اسرائیل، توانسته است یک بازدارندگی را در میان همسایگان ایران هم به وجود آورد یا خیر. پس نمی‌توان از هم‌اکنون قضاوت کرد. از طرف دیگر، باید در نظر بگیریم که در یک نظام منطقه‌ای و جهانی، بازیگران در یک فضای مجرد نقش‌آفرین تثبیتند، بلکه رفتار و کنش هر بازیگری بر رفتار دیگر بازیگران تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه همسایگان. اکنون که ما شاهد سطح جدیدی از بازدارندگی ایران هستیم، طبیعتاً و به طریق اولی، آثار و تبعاتی برای منطقه به دنبال دارد.

ک منظور مستقیم شما چه آثاری است؟

اینکه شاید کشورهای منطقه‌ای هم پس از این حمله مستقیم ایران به اسرائیل، با این میزان از پهپادها و موشک‌ها، تغییری جدی در روند‌های نظامی و دفاعی خود بدهند و سطح آن را بالاتر ببرند.

ک برای تقابل با تهران؟!

نه لزوماً. چون سطح تقابل بین ایران و اسرائیل وارد یک مرحله جدید یعنی بازدارندگی نظامی مستقیم شده، قاعدتا بستر برای ایمنی منطقه‌ای بیشتر شده است و اینجا بازیگران منطقه و کشورهای همسایه هم مجبورند برای دفاع از منافع خود و برای ایجاد موازنه بازدارندگی در برابر وضعیت جدید خاورمیانه هم

در گفت‌وگوی «شرق» با رحمن قهرمان پور بررسی شد

در ارزیابی قدرت بازدارندگی، متغیرهای متفاوتی دخیل هستند



که شده، احتمالاً سطح جدیدی از توان دفاعی را تعریف کنند که البته برخی کشورها در این مورد موفق عمل می‌کنند و برخی‌ها هم ناموفق خواهند بود. پس در این مورد هم باید منتظر گذر زمان باشیم و ببینیم ادراک کشورهای همسایه و بازیگران پیرامونی ایران از پاسخ تهران و رسیدن تنش ایران و اسرائیل به بازدارندگی مستقیم هسته‌ای چیست؟ آیا ادراک آنها باعث تقویت توان نظامی و دفاعی‌شان می‌شود یا خیر؟

ک با توجه به آنچه گفتید، پاسخ یکشنبه هفته گذشته نقطه عطف خواهد بود؟ یعنی می‌توان گفت رفتار بازیگران پیرامونی مانند الهام علی‌اف، بن‌سلمان، اردوغان، بن‌زاید و… در مقابل تهران تغییر خواهد کرد یا خیر؟

من عرض کردم موضوع این است که ما مفهوم بازدارندگی را نباید یک مفهوم تک‌ساحتی در حوزه نظامی، امنیتی و دفاعی ببینیم. همان‌گونه که ما در مقابل کشورهای پیرامونی تنها به قدرت بازدارندگی نظامی، امنیتی و دفاعی آنها نگاه نمی‌کنیم، بلکه سایر پارامترها مانند توان اقتصادی و تجاری یا سطح معیشتی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و وضعیت دیپلماتیک آنها در مناسبات منطقه‌ای و جهانی را می‌سنجیم، طبیعتاً نگاه مشابهی توسط این کشورها به ایران وجود دارد. یعنی باید این کشورها هم در کنار پارامترهای نظامی، دفاعی، موشکی و پهپادی، سایر عوامل دیگر در حوزه بازدارندگی را مدنظر قرار دهند؛ از توان اقتصادی، تجاری و معیشتی گرفته تا شرایط سیاست خارجی و دیپلماسی ما. به این معنا که در ارزیابی قدرت بازدارندگی ایران، متغیرهای متفاوتی

نقش آفرین است و این‌گونه نیست که همسایگان و کشورهای پیرامونی تنها به یک بُعد نظامی و دفاعی ایران توجه کنند. شما به همین کشور پیرامونی ایران یعنی پاکستان نگاه کنید که تنها قدرت هسته‌ای نظامی جهان اسلام است؛ موشک‌های بالستیک دوربرد دارد و جزء چند ارتش قدرتمند دنیااست، اما زمانی که به پارامتر متغیرهای دیگری مخصوصاً حوزه اقتصادی و تجاری نگاه می‌کنیم، می‌بینیم واقعاً پاکستان در معادلات منطقه‌ای و جهانی جایگاهی ویژه و تعیین‌کننده ندارد. پاکستان اکنون بدهی‌های سنگین بین‌المللی به دو نهاد مهم یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دارد. سطح بحران اقتصادی و تجاری در پاکستان به قدری شدید است که دولت اسلام‌آباد در تأمین بودجه روزانه خود نیز دچار مشکلات اقتصادی و همواره چشم نیاز به کشورهای مانند عربستان دارد و بعضاً هم پاکستان نمی‌تواند این وام‌ها را به ریاض پس دهد. بنابراین قدرت بازدارندگی امر تک‌بعدی در حوزه نظامی نیست و طبیعتاً همان‌گونه که پاکستان را صرفاً به دلیل داشتن بمب اتم قدرتمند نمی‌انیم، بقیناً کشورهای پیرامونی هم صرفاً با تمرکز به قدرت نظامی، یک کشور را دارای عنصر بازدارنده نمی‌دانند.

ک پس باید برسید به موازات این موازنه نظامی، آیا پارامترها و متغیرهای لازم در داخل کشور می‌تواند تغییر کند؟

این سؤالی است که باید از مقامات پرسیده شود.

ک پاسخ خودتان چیست؟

ما دیدیم در پاسخ مستقیم ایران به اسرائیل، مشابه با دستور کار قبلی در حمله به عین‌الاسد، سعی بر اجزای یک ضربه کنترل‌شده بود که این نکته نشان می‌دهد به هر حال نهادها و مقامات تصمیم‌گیر و مسئول در این رابطه، هوشمندی و احتیاط لازم را برای جلوگیری از تصاعد بحران دارند و بنا بر اقتضانات و شرایط مکانی و زمانی و محدودیت‌های محیطی و وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیم می‌گیرند. حال باید دید مشابه این نگاه و تفکر در حوزه‌هایی مانند اقتصاد و معیشت هم در این سوی میدان اجرایی مورد توجه قرار می‌گیرد؟! قبل از پاسخ یکشنبه هفته گذشته، بسیاری از جریان‌های داخلی تندرو از حمله سخت گفتند و به همین دلیل احتمال شروع یک جنگ گسترده را مطرح کردند. اما در نهایت، هم ایران و هم اسرائیل در نوع مواجهه و واکنش مستقیم به یکدیگر نوعی احتیاط را جاشنی عمل کردند؛ یعنی به مقتضیات منطقه‌ای و پیرامونی و همچنین اقتصاد داخلی خود توجه کردند. طبیعتاً هر بازیگری زمانی که تصمیم در این سطح کلان و تأثیرگذار بگیرد، قطعاً به تمام متغیرها و پارامترها و همچنین آثار و تبعات مثبت و منفی اقدامات خود توجه دارد. به نظر من در ایران هم همین روند وجود دارد؛ یعنی در آن روزها تصمیم‌گیران سعی کردند هم به انتظارات جریان‌های داخلی در حمله مستقیم به اسرائیل پاسخ بدهند و هم‌زمان هم به شرایط محیطی و بین‌المللی توجه داشتند که تشدید تنش وارد جنگ مستقیم نشود. واقعاً ایران نمی‌خواست آغازگر یک بحران باشد. حال،باین‌لکه، نکته مهم اینجاست که این نوع پاسخ‌ها، تأیید محدودیت‌های داخلی و همچنین شرایط منطقه‌ای هم محسوب می‌شود.

ک روند راطی ماه‌های آتی چگونه می‌بینید؟

به نظر من این محدودیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ماه‌های پیش‌رو هم برای ایران کاملاً وجود خواهد داشت؛

یعنی ایران تابع برخی متغیرهاست؛ متغیرهایی مانند حوزه اقتصادی، تجاری و معیشتی. پس اگر می‌خواهیم بازدارندگی به معنای واقعی کلمه، مکمل اقدام ایران در حمله هفته گذشته باشد، باید صفحه جدیدی در حوزه‌های داخلی گشوده شود. باید در سطح فناوری، میزان سرمایه‌گذاری خارجی، تنوع‌بخشی در روابط دیپلماتیک منطقه‌ای و جهانی، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی و سایر متغیرها و پارامترهای لازم، یک تحول اساسی صورت بگیرد که در نهایت عنوان شود سطح بازدارندگی مطلوب و

باید! ایران دل در میان بازیگران پیرامونی حاصل شده است.

ک با توجه به سلسله کنش‌ها و واکنش‌های ایران و اسرائیل اکنون برخی معتقدند که خطر جنگ مستقیم بین دو طرف تا حدی فروکش کرده‌است؛ اما از سوی دیگر احتمال آن به صفر هم نرسیده‌است و حتی مطرح شده که چون ایران یکشنبه هفته گذشته برای اولین بار پاسخ مستقیم خود را به خاک اسرائیل انجام داد، این ترس و نگرانی در تهران وجود ندارد و از این به بعد شاهد مشت‌های محکم‌تر ایران روی میز خواهیم بود. درمقابل طیفی هم، حتی با توجه به محدودیت‌هایی که شما به آن اشاره کردید و همچنین اقتضانات و شرایط منطقه‌ای و جهانی، تکرار آن را به صلاح نمی‌دانند. حال اگر شرایط و تحولات متغیر و سیال خاورمیانه اینس اجبار را برای ایران بیش بیاورد، تهران باید بین این دو گزینه کدام را انتخاب کند؛ حمله مجدد یا خودداری از حمله مجدد؟!

سؤال خوبی است. من معتقدم که رفتارهای تهران، رفتارهای منطقی از جنس دولت - ملت است؛ یعنی الزامات دولت -

ملت را در رفتارهای تهران بارزتر و پررنگ‌تر می‌بینم. پس اینجا منطق رفتاری مانند عملکرد برخی گروه‌های شبه‌نظامی منطقه‌ای مطرح نیست و از این نظر تهران را باید متفاوت از آن گروه‌ها تحلیل و ارزیابی کرد. وقتی ایران از سال‌ها پیش پذیرفت که حزب‌الله لبنان در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری این کشور حضور داشته باشد، در واقع سعی کرد این منطبق‌کنش مدنی دولت - ملت را به دیگر گروه‌های همسو با خود مانند حزب‌الله و حتی دیگر گروه‌ها تزریق کند؛ یعنی سعی شده است که گروه‌های عراقی هم در ساختار تصمیم‌گیری این کشور حضور داشته باشند و در انتخابات پارلمانی و ساختار دولت نقش آفرین باشند. در نتیجه اکنون رفتار تهران تابع الزامات یک دولت - ملت است. پس واقعاً تهران محدودیت‌های خود را دارد؛ یعنی نمی‌تواند مانند یک بازیگر غیردولتی که مسئولیت دیپلماتیکی در قبال عملکرد خود ندارد، رفتار کند. اینجا باید قدری هوشمندانه‌تر عمل و با بررسی تمام جوانب و سنجش آثار و تبعات اقدامات، عمل کرد و هم‌زمان از رفتارهای انتحاری و بی‌پروایانه در حملات به بازیگران پیرامونی و بین‌المللی خودداری کرد. برای مثال واقعاً برای انصارالله یمن چنین محدودیتی وجود ندارد و ما کاملاًکن می‌بینیم که انصارالله و حوثی‌ها بدون در نظر گرفتن برخی جوانب و محدودیت‌های یک دولت - ملت کماکان تقابل مستقیم با اسرائیل را در دستور کار دارند؛ اما آیا ایران می‌تواند چنین رفتاری را در پیش بگیرد و مجدداً حمله مستقیم دیگری در این سطح انجام دهد؟! اینجا باید قدری با احتیاط پاسخ داد؛ چون طرف حساب ما کشور ایران است که با ساختار جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود؛ یعنی با یک دولت - ملت ظرفیم. اتفاقاً وقتی به حمله یکشنبه هفته گذشته ایران نگاه می‌کنیم، در آنجا غلبه منطق سیاسی و دیپلماتیک از جنس دولت - ملت بر رفتارهای احساسی را می‌بینیم.

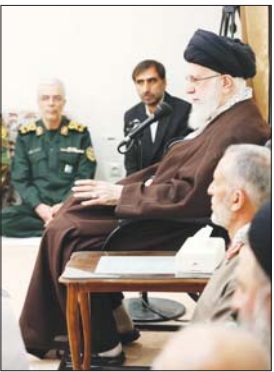
یعنی اگر براساس ارزیابی و برآورد گروه‌های منطقه‌ای، ایران پاسخ به اسرائیل را می‌داد، باید اصل غافلگیری را رعایت می‌کرد؛ درصورتی‌که ما دیدیم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت - ملت سه روز قبل از حمله به شکل غیرمستقیم به ایالات متحده و همچنین به همسایگان خود خبر داد و چند ساعت قبل از حمله پهپادی و هم‌زمان با آغاز عملیات هم یک بیانیه رسمی صادر کرد. بعد از این حمله هم نمایندگی ایران در سازمان ملل مرتباً از منطق حقوق بین‌الملل، حق پاسخیگویی ایران را محفوظ و درعین‌حال مشروع می‌دانست که نشان می‌دهد رفتار ایران یک رفتار دولت - ملت است؛ یعنی ایران به سمت پذیرش قواعد و قوانین حاکم بر روابط بین‌الملل حرکت کرده است و سعی دارد براساس این اقتضانات رفتار خود را با شرایط جاری بسنجد و تلاش داشت که پاسخ خود را نه یک پاسخ انتحاری و از سر خوانش‌ها و قرائت‌های جهادی و رادیکالیستی؛ بلکه در قالب حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل تحلیل کند و آن را در چارچوب همان حق دفاع مشروع تبیین کرد که مؤید آن است. منطق حرکتی ایران، با وجود برخی تدریو‌ها، کاملاًکن براساس دولت - ملت است. براساس این من فکر نمی‌کنم اگر شرایط ماه‌های پیش‌رو مجدداً باعث شود که ایران مجبور به انتخاب بین حمله مستقیم به اسرائیل یا حمله‌نکردن شود، به‌عنوان یک بازیگر دولت - ملت محور تمام جوانب را خواهد سنجد.

شرق

خبر

در دیدار با فرماندهان عالی نیروهای مسلح مطرح شد

قدردانی فرمانده کل قوا از عملکرد همراه با تدبیر نیروهای مسلح در حوادث اخیر



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ظهر دیروز در دیدار جمعی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح، ضمن قدردانی صمیمانه از تلاش‌ها و موفقیت‌ها در قضایای اخیر، تأکید کردند: به لطف خداوند نیروهای مسلح چهره خوبی از توانایی‌ها و اقتدار خود و همچنین یک چهره ستودنی از ملت ایران به نمایش گذاشتند و ظهور قدرت اراده ملت ایران در عرصه بین‌المللی را به اثبات رساندند.

فرمانده کل قوا ضمن تبریک روز ارتش و همچنین سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تأکید بر اینکه دستاوردهای اخیر نیروهای مسلح موجب ایجاد احساس شگوه و عظمت درباره ایران اسلامی در چشم جهانیان و ناظران جهانی شده است، افزودند: موضوع تعداد موشک‌های شلیک شده یا موشک‌های به هدف اصابت‌کرده که طرف مقابل بر روی آنها متمرکز شده، موضوع دست دوم و فرعی است. موضوع اصلی ظهور قدرت اراده ملت ایران و نیروهای مسلح در عرصه بین‌المللی و اثبات آن است که ناراحتی طرف مقابل نیز از همین موضوع است.

رهبر انقلاب اسلامی با قدردانی از لحاظشدن تدبیر در اقدامات نیروهای مسلح گفتند: حوادث گوناگون با هزینه و دستاورد همراه هستند و مهم آن است که با تدبیر، از هزینه‌ها کاسته و در دستاوردها افزوده شود و این کاری است که نیروهای مسلح در حوادث اخیر به‌خوبی انجام دادند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با قدردانی از تلاش‌ها و فعالیت‌های سپاه، ارتش و نیروی نظامی، نیروهای مسلح را به استمرار تلاش و حرکت برای مواجهه با دشمنی‌ها و دشمن‌ها با تکیه بر نوآوری و ابتکار توصیه و خاطر نشان کردند: یک لحظه هم نباید متوقف شد؛ زیرا توقف به معنای عقب‌گرد است؛ بنابراین باید نوآوری در تسلیحات و شیوه‌ها و همچنین شناخت روش‌های دشمن همواره در دستور کار باشد.

ایشان با تأکید بر اینکه حیثیت ملت ایران باید در چشم دنیا برجسته باشد، افزودند: ضمن شناسایی استعدادها و نیروهای توانمند و خلاق، به خداوند متعال حُسن ظن داشته باشید و به او توکل کنید و بدانید که وعده خداوند در دفاع از مؤمنین حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار همچنین تشکر ویژه‌ای از خانواده‌های فرماندهان و رده‌های مختلف ارتش، سپاه و فراجا داشتند و خاطر نشان کردند: بار اصلی زحمات بر دوش همسران و فرزندان نیروهای مسلح است که سختی‌ها را تحمل می‌کنند.

در این دیدار سردار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، با اشاره به تحولات بزرگ سال ۱۴۰۲ و همچنین هفته‌های آغازین سال ۱۴۰۳ ازجمله عملیات «طوفان لاقصبی» و عملیات «وعده صادق» و تیبیه رژیم صهیونیستی گزارش کوتاهی از آخرین آمادگی‌ها و توانایی‌های نیروهای مسلح ارائه داد.

آیه‌ای در صفحه ۳